

فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۸، تابستان ۹۸

الگوی حقوقی «پلیس مقتدر، امین مردم»

سید محمد مهدی غمامی^۱

از صفحه ۷۷ تا ۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۰

چکیده

پلیس در تمامی نظام‌های حقوقی وظیفه برقراری نظم عمومی محور را بر عهده دارد و برقراری نظم عمومی نیازمند اعمال اختیارات ویژه و بهره‌گیری از وجه آمره بودن قانون است. با این وجود نظم عمومی در مفهوم جدید و البته مبتنی بر آموزه‌های اسلامی امری یک‌جانبه نیست و لازم است مقید به الزامات مشخص و در خلال مشارکت اجتماعی و تعهد به سرنوشت مشترک مبتنی بر اصل نهم قانون اساسی و با همکاری عامه مردم فراهم شود. این همکاری نیز مبتنی بر احساس کارا بودن مشارکت و اعتماد به پلیس به عنوان امانتدار حوزه امنیت عمومی حاصل می‌شود. در این مقاله در پاسخ به این سوال که «مبانی و سازوکارهای حقوقی تحقق پلیس مقتدر و امین مردم چیست؟» به طراحی الگوی حقوقی «پلیس مقتدر، امین مردم» می‌پردازیم به نحوی که پلیس در انجام وظایف قانونی خود در استقرار نظم و امنیت عمومی از کارآمدی مطلوب برخوردار شده و البته در نظر داریم که این کارآمدی نیازمند اعطای تضمیناتی عینی از جانب پلیس به مردم است مبنی بر اینکه پلیس، نظم را در چارچوب قانون و منافع عمومی تعهد و تأمین می‌کند، تسامح‌پذیر و سلیقه‌گرا نیست، تحت نظارت و راهنمایی‌های مراجع قضائی عمل می‌کند، به حقوق و آزادی‌های مشروع مردم نیز تجاوز نمی‌نماید. به این ترتیب پلیس درصدد استقرار امنیت شهروندمدار و اجتماعی شده است که با شهروندان بر اساس اخلاق حرفه‌ای و با برهم زندگان نظم عمومی با قاطعیت مورد حمایت قانون برخورد موثر می‌نماید.

کلید واژه‌ها: اخلاق حرفه‌ای، آزادی‌های مشروع، حاکمیت قانون، حقوق ملت، نظم عمومی،

نیروی انتظامی.

مقدمه و بیان مسئله

نظم و امنیت اولین نیاز انسان برای بقا تمامیت انسانی و تامین حقوق و آزادی های عمومی است. (کامرون، ۲۰۰۰: ۵۵). نیازی بنیادین که بستر شکل گیری یک جامعه انسانی را فراهم و امکان تحقق روابط متمدنانه و دور از خشونت را فراهم می سازد. به این ترتیب هر فردی نیازمند امنیت عینی و ذهنی است چنان که در آموزه های دینی و خیلی پیش از آنچه تحت عنوان دستاوردهای علم مدرن طرح گردد امام صادق (ع) بیان کرده اند: «ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرّاً إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ» یعنی سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت (آرامش)، عدالت و آسایش (رفاه) (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵: ۲۳۴) بنابراین امنیت سرمایه ای است مشترک بین همه شهروندان در یک جامعه که حفظ و ارتقاء آن برای همه آحاد جامعه دارای مطلوبیت است. امنیت در مفهوم کلاسیک عبارت است از «مصونیت از تعرض به حیثیت، جان و مال و حقوق اشخاص». (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۱۷) از این جهت در قانون اساسی به عنوان میثاق ملت و دولت و همچنین اصلی ترین منبع قانونی به امنیت در ردیف حقوق ملت تصریح شده است. اصل (۲۲) قانون اساسی، این مفهوم از امنیت را تضمین می کند: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». البته صرف عدم تعرض کفایت نمی کند و در همه نظام های حقوقی نیرویی به عنوان نیروی امنیت عمومی جامعه فعال است تا مانع از تعرض و نقض حقوق و آزادی های عمومی شهروندان و غیر شهروندان شود. بدون امنیت عمومی هیچ دولتی نمی تواند کارکردهای مهم خود از جمله ارائه خدمات و کالاهای اساسی انجام دهد. (ماروا و ود، ۲۰۱۴: ۱۳). ماده (۳) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۹) اشعار می دارد: «هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، استقرار نظم و امنیت و تامین آسایش عمومی و فردی و نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است.»

نظم و امنیت عمومی با مشارکت مردم و مبتنی بر این احساس عمومی بر امنیت (جنبه ذهنی) حاصل می شود که مردم پلیس را مدافع حقوق عامه شهروندان بدون هیچ گونه تبعیضی بدانند. پلیسی که قرار است برای آنها، اجرای نظم مبتنی بر قانون را به ارمغان بیاورد.

سوال اصلی این مقاله عبارت است از این که «مبانی و سازوکارهای حقوقی تحقق پلیس مقتدر و امین مردم چیست؟». پاسخ به این سوال در واقع به طراحی الگوی حقوقی «پلیس مقتدر، امین مردم» می‌انجامد. فرضیه این مقاله این است که در وضعیت موجود از همه ظرفیت‌های قانونی افزایش اقتدار و امانتداری استفاده نشده و باید بر این ظرفیت‌ها تاکید کرد و در عین حال برای ارتقاء به وضعیت مطلوب باید اقداماتی قانونی از جمله ارایه لوایح قانونی یا تنظیم مقررات جدید را رقم زد که هم اکنون در زمره اختیارات و امکانات هنجاری پلیس نبوده و البته تضمین عینی به مردم جهت افزایش مشارکت و همراهی آنها نیز از بایسته‌های این وضعیت مطلوب خواهد بود. لازم به ذکر است این مقاله با رویکرد حاکم و روش تحقیق مورد استفاده، فاقد هرگونه پیشینه است و از این جهت بدیع می‌باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی است. به این ترتیب که ابتدا با مراجعه به اصول کلی حقوقی و الزامات فراهنجاری، مبانی مربوط به شناسایی و اعمال صلاحیت و اختیارات پلیس (ناجا) تبیین و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای توصیف می‌گردد و در ادامه بر اساس قوانین موجود و کاستی‌های هنجاری اعم از قوانین و مقررات عمومی به تبیین و تحلیل وضعیت موجود و ترسیم الزامات مطلوب پرداخته می‌شود.

مبانی نظری تحقیق

نظر به تکلیف دولت - دولت به مفهوم عام مشتمل بر کلیه نهادهای حکومتی و عمومی - به صیانت از حقوق و آزادی‌های مشروع آحاد ملت و وفق بند (۷) و (۱۴) اصل سوم قانون اساسی و همچنین اصل نهم و فصل حقوق ملت به ویژه اصل بیستم مبنی بر بهره‌مندی از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با عنایت به تکلیف نیروی انتظامی مبنی بر تضمین حقوق قانونی و آسایش فردی و عمومی براساس قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران - به ویژه ماده ۳ و ۴-، لازم است تمامی نهادهای دارای اقتدارات ویژه برای ایجاد نظم عمومی من جمله نیروی انتظامی (پلیس) سازوکارهایی منطبق بواقع‌نات روز و کارآمد اتخاذ نمایند تا هم وجه مردم سالاری دینی نظام جمهوری اسلامی ایران

Archive of SID

با ویژگی پاسخگویی، رعایت حقوق همه جانبه ملت و التزام به آموزه های دینی از جمله امانت بودن حکومت اسلامی^۲ و اجرای احکام و موازین اسلامی تامین گردد و هم نظم عمومی مبتنی بر امنیت انسانی فراهم گردد. بنابراین چارچوب نظری حاکم بر این تحقیق التزام پلیس به این بایسته ها و تدارک سازوکارهایی برای ایجاد نیرویی مقتدر و امانت دار ارزش های فرادستوری قانون اساسی - مندرج در اصل ۱۷۷- و موازین اسلامی - مندرج در اصل ۴- است.

ارتقاء اقتدار پلیس با اتکاء بر اصل حاکمیت قانون

پلیس برای برقراری امنیت عمومی نیاز به بهره گیری از اختیارات قاطعی دارد که ممکن است در قالب قدرت و یا اقتدار تجلی کند. به عبارتی او می تواند از هر دو قالب برای ایجاد امنیت و نظم استفاده کند ولی این دو با یکدیگر تفاوت ظریفی و البته مهمی دارند که نتایج استفاده از هر یک به واکنش های اجتماعی متعارضی می انجامد. در واقع پلیس می تواند از هر قدرتی استفاده کند تا انتظام مورد نظر را برقرار کند ولی اقتدار صرفاً نوع خاصی از قدرت است که مورد قبول جامعه است. «اقتدار به معنی قدرت مشروع است و نیز اقتدار را قدرت مبتنی بر رضایت دانسته اند.» (نادمی، ۱۳۸۲: ۷۸) این مشروعیت البته به واسطه التزام قدرت به حاکمیت قانون محقق می گردد. که در غیر اینصورت اعمال قدرت همان اعمال زور است که کارآمدی استقرار امنیت را به شدت تضعیف می کند. «غیرممکن است که بتوان فقط با اتکا بر ترساندن و ایجاد وحشت حکومت کرد و در سازمان های بزرگ امروز تکالیف خود را با موفقیت انجام داد. حکومت کردن با اقتدار، به مراتب با صرفه تر از حکومت کردن با زور است.» (نادمی، ۱۳۸۲: ۷۸) به این ترتیب اقتدار پلیس به تبعیت کردن از اصل حاکمیت قانون و فروعیات آن از جمله حسن اجرای قانون است. این گونه است که یک نظم خوب برقرار می گردد. (واکر و همنز، ۲۰۱۱: ۱۷). پلیس باید بداند که از یک سو هیچ اقتداری بر خلاف قانون ندارد چرا که اقتدار صرفاً در پرتوی قانون معنا می گیرد و از سوی دیگر اقتدار را وقتی به تمام به دست می آورد که قانون را به تمام و البته به احسن شکل اجرا کند. الزامات حقوقی و قانونی موجود، ظرفیت های قابل توجهی برای تجهیز پلیس به اقتدار قانونی و مشروع فراهم می کند که البته با اصلاحات و وضع قوانین مرتبط می توان بر اقتدار پلیس افزود.



آشنایی ماموران پلیس به صلاحیت‌ها و اختیارات قانونی خود مندرج در قوانین و مقررات و منشور اخلاق حرفه‌ای؛

ماموران انتظامی به‌ویژه دسته‌ای که بیشتر در ارتباط با مردم هستند باید به نسبت ارتباطی که با مردم دارند از آموزش‌های عمومی و تخصصی مربوط بهره ببرند و بیش از همه باید برای سربازان که در اکثر ورودی‌های نهادهای دولتی، کلاتری‌ها و مراکز پیشخوان نیروی انتظامی حضور گسترده‌ای دارند برنامه‌ریزی آموزش‌های حقوق شهروندی و رفتار قانونمند وفق قوانین از جمله ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) (۱۳۷۵)^۳ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳) و ماده (۷) قانون جدید آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)^۴ تدارک دید.

برای پلیس نباید ارزشی بالاتر از احترام به قانون وجود داشته باشد و ضمناً نباید تصور کند وی چون مامور قانون است هر رفتار وی قانونی فرض شده و به این مجوز می‌تواند ملاحظات مربوط به حقوق شهروندی و بشر را با آن نقض کرد. (کیوسی، ۲۰۱۲: ۱۹). آموزش‌هایی که به آنها احترام به قانون، التزام به منشور رفتار حرفه‌ای^۵، گشاده رویی همراه با قاطعیت و تحمل بالا در ماموریت‌های سخت و اصل صلاحیت مشتمل بر عدم صلاحیت و ممنوعیت سوء استفاده از صلاحیت را به صورت نهادینه شده ارائه دهد. در واقع «بین جرائم و تخلفات شغلی کارکنان ناجا و تأمین نظم و امنیت جامعه، همبستگی منفی وجود دارد؛ به طوری که با افزایش شمار جرائم و تخلفات شغلی کارکنان ناجا، میزان نظم و امنیت جامعه کاهش می‌یابد. میان قانون‌مداری و مسئولیت‌پذیری پلیس، برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح مسئولین ناجا، سلامت کاری کارکنان، رازداری، رعایت حقوق شهروندی، وجدان کاری، خدمات‌دهی پلیس و تأمین نظم و امنیت جامعه همبستگی مثبت وجود دارد. به طوری که با تقویت این اصول در کارکنان ناجا می‌توان تأمین نظم و امنیت جامعه را ارتقا و تضمین نمود.» (غلامی زرینی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۱) این آموزش‌ها نه تنها برای نیروی انتظامی که برای سربازانی که مدتی در ساختار نیروی انتظامی زندگی قانون‌مدار و شهروندمحور را سپری می‌کنند سرمایه‌ای از جنس اعتماد عمومی مردم به اقتدار ناجا است. بنابراین مفاد این آموزش‌ها بر اساس قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران از جمله ماده

Archive of SID

(۴) و دستوراتی که دادستان در قالب دستورات کتبی و شفاهی اعلام می کند بر مبنای اصل صلاحیت به شرح زیر است: (۱) استقرار نظم و امنیت عمومی بر مبنای جلوگیری از ارتکاب جرائم؛ (۲) جلوگیری از خرابکاری، تروریسم، شورش؛ (۳) صیانت از حقوق و آزادی های فردی و جمعی همانند اجتماعات، تشکل ها، راهپیمایی های قانونی؛ (۴) حراست از نهادهای عمومی، حساس و امنیتی و همچنین مقامات سیاسی و دیپلماتیک؛ (۵) جمع آوری اخبار و اطلاعات مربوط به مسائل سیاسی، امنیتی؛ (۶) جمع آوری سلاح و مهمات و تجهیزات غیر مجاز و صدور پروانه نگهداری و حمل؛ (۷) اقداماتی که پلیس به عنوان ضابط قضایی انجام می دهد که شامل پیشگیری و کشف و برخورد با جرم و فساد است؛ (۸) مراقبت و کنترل از مرزهای جمهوری اسلامی ایران اعم از زمینی و هوایی و دریایی و صدور گذرنامه و کنترل آن؛ (۹) اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و امور توزیع و حفظ حریم راه های کشور؛ (۱۰) اجرای قوانین و مقررات وظیفه عمومی؛ (۱۱) همکاری های بین المللی مطابق توافق نامه های دولتی و همکاری با اینترپول.

توصیه ناپذیری در اجرای قانون

پلیس مقتدر؛ چون پلیس تابع قانون است مقتدر است در واقع وقتی پذیرفتیم که اقتدار همیشه مشروع و قانونی است، اما قدرت ممکن است مشروع یا نامشروع باشد به این معنا که قدرت ممکن است به صورت غیرمردم سالار به دست آمده باشد و از طریق غیرمجاز جریان بیابد و اموری را به افراد تحمیل کند یا ناشی از اصول و قواعد حقوق عمومی و مبتنی بر حقوق و آزادی های مشروع مردم بنیان نهاده شده باشد که در این صورت در چهره اقتدار جلوه کرده و مبتنی بر ضوابطی امکان مداخله به دولت [و پلیس] را می دهد. (فریبورن، ۲۰۱۸: ۱۵۸). قاعدتا همانطور که از ۲۶ بند ماموریت های ناجا در ماده ۴ قانون نیروی انتظامی بر می آید پلیس به عنوان برقرار کننده «نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی»، صرفاً مجری قانون است و از عناصر حاکمیت قانون آن است که قانون در اجرا نباید استثناء پذیر باشد (کلسن، ۲۰۰۹: ۴۶). قانون بدون تبصره برای همه مشمولین آن اجرا و ناجا صرفاً مجری مَر قانون است؛ البته اجرای قانون با قاطعیت بدون خشونت. این همان التزامی است که ماموران نیروی انتظامی به آن وفق بند «۲» ماده (۱۶) قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «شرایط عمومی

«استخدام» باید دارا باشند: «التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». این التزام شامل کلیه اصول قانون اساسی از جمله اصل سوم و بندهای ۶، ۷ و ۱۴۶؛ و همچنین فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان «حقوق ملت» است.

ارتقا نظام سوت زندگان ناجا جهت دریافت موارد مخل امنیت عمومی و حقوق شهروندان

پلیس (ناجا) برای آنکه بتواند اشراف کاملی بر همه اطلاعات در جهت انجام ماموریت‌های قانونی خود وفق بند ۴ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی^۷ و همچنین تبصره ۲^۸ آن داشته باشد لازم است که از یک سو مردم به وی اعتماد داشته باشند که ورود نیروی انتظامی برای امنیت آنهاست و ثانیاً تبعاتی ندارد یا به طور قانونی امکان گریز از تمام تبعات احتمالی حتی با تغییر هویت فراهم می‌گردد و ثالثاً از برنامه حمایتی سوت زندگان^۹ به‌ویژه برخورداری از مزایای مادی و امتیازات نیز بهره می‌برند. با دقت در نهاد مذکور که در نظام حقوقی اسلام ذیل اصل هشتم قانون اساسی^{۱۰} و با تاکید بر نهی از منکر قابل تحلیل بوده، وجه تسمیه این نهاد این گونه است که گزارش‌دهنده مردمی زمانی که با فساد رویارو می‌شود، در سوت خود می‌دمد و دیگران را از این فساد آگاه می‌کند. به عبارت دیگر چنین می‌توان تعبیر کرد که ریشه این عبارت می‌تواند مربوط به زمین بازی باشد که داور در سوت خود می‌دمد و با این کار نشان می‌دهد نسبت به قوانین بازی سرپیچی شده است (جوب، ۱۹۹۹: ۷۷). شاید مناسب‌تر آن باشد که شخص گزارش‌دهنده را مشابه شخصی بدانیم که در خیابان در وضعیتی که مورد تهدید واقع می‌شود برای طلب کمک فریاد می‌زند و امید آن دارد که با جلب توجه نسبت به وضعیت مورد حمایت واقع شود (توییدی، ۲۰۱۰: ۵). به این ترتیب سوت زندگان افرادی هستند که نقض قانون را اعلام می‌کنند و اعلام آنها با توجه به اینکه مجرمان را با خطر بالای افشای قانون مواجه می‌کند همواره با پیشگیری وضعی جدی و بی‌ظنری مواجه می‌کند که اگر هم مجرمان از آن حذر نکنند به واسطه این افراد نمی‌توانند از اجرای عدالت استثناء شوند و این کارکرد، ارتباط موثر پلیس با سوت زندگان و دریافت گزارش از آنها را برای اجرای قانون را لازم دارد (سولیوان، ۲۰۰۵: ۵۰۲). به علاوه آنکه این گزارش‌دهندگان می‌توانند بر عملکرد بهینه نظام داخلی ناجا هم از طریق افشای تخلفات سازمانی نزد نهادهای ناظر بیفزایند. هرچند که

Archive of SID

تحقق چنین برنامه‌ای علاوه بر اتخاذ تدابیر عملی، نیازمند وضع قانونی هم هست و لازم است نیروی انتظامی به همراه سایر نهادهای نظارتی و امنیتی لایحه قانونی حمایت از سوت زندگان (گزارش دهندگان) را در قالب لایحه قضایی موضوع اصل (۱۵۸) قانون اساسی پیشنهاد دهند تا نظام گزارش‌دهی جرم، تخلف و فساد از طریق مشارکت جدی مردمی مستقر و فعال گردد. این دست از قوانین در بسیاری از کشورها تحت عنوان «قانون حمایت از سوت زندگان»^{۱۱} تصویب و عملیاتی شده و نتایج آن نیز حاکی از کارآمدی بالای این نهاد است.

آموزش و همکاری نظام مند با دادستان

پلیس به موجب قانون اختیار می‌یابد تا با جرائم و ناامنی‌ها برخورد و خدماتی را وفق قانون (برای مثال مثال خدمت صدور گواهینامه رانندگی، گذرنامه، عدم سوء پیشینه، خدمت و وظیفه عمومی، گواهی پروانه کسب و...) ارائه دهد. در بخش نخست که وظیفه پلیس برخورد با جرائم بوده و از اختیارات قابل توجهی برخوردار است وی مطابق بند (الف) ماده (۲۹) قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) به عنوان ضابط عام قضایی شناخته می‌شود و موظف است تحت نظارت نظام قضایی به ویژه دادستان عمل کند.^{۱۲} اهمیت این نظارت این است که نظام قضایی طبق اصل (۱۵۶) قانون اساسی پشتیبان حقوق فردی، احیا کننده حقوق عامه و به طور خاص ناظر اجرای قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳) است. بر این اساس ماده ۳۰ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.» علاوه بر این طبق تبصره «۱» همین ماده «دادستان مکلف است به طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.» بنابراین لازم است که آموزش‌هایی را ماموران انتظامی در اجرای قانون از دادستان‌ها دریافت کنند تا مجموعه حقوق مردم به ویژه در مواردی که پلیس به عنوان ضابط عمل می‌کند تضمین شده و نسبت به آن خدشه‌ای وارد نگردد. از سوی دیگر در صورت وجود یک سازوکار منسجم قضایی بین دادستان و



ماموران، دستورات دادستان طبق مواد (۳۴)، (۳۵) و (۴۴) قانون^{۱۳} می تواند بر اقتدار و کارآمدی عملکرد پلیس در انجام ماموریت هایش بیفزاید.

افزایش اقتدار پلیس با تصویب قانون مبارزه با تروریسم

گرچه مبانی فقهی و دینی، ترور را از مصادیق محاربه و افساد فی الارض دانسته و هم اکنون نیز در نظام حقوقی ایران از این عناوین قانونی در مجازات اعمال تروریستی استفاده می شود، اما اقتدارات افتراقی خاصی برای برخورد با آن دیده نشده است. مبارزه با تروریسم در حد یک واژه برای اولین بار در ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۶) به عنوان یکی از وظایف نیروی انتظامی برشمرده شد اما اختیاری که مشخص کند که نتیجه این شناسایی در مجموعه اختیارات ناجا چیست بیان نشده است. به طور کلی خلاء تقنینی موجود را تا حدودی بواسطه «قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۸۶)» (ماده ۲)، «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین المللی ۱۳۸۷»، «قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲» (ماده ۳۱) به طور موردی و اجمالی ممکن است برطرف شود. گرچه نیاز واقعی ایران در مواجهه با گروه های تروریستی گرداگرد خود - سازمان مجاهدین خلق در عراق و هم اکنون در اروپا و آمریکا؛ کومله و پژاک در غرب ایران؛ طالبان، جیش العدل و جند الله در شرق ایران و الاهوازیه در جنوب غرب - و حتی خارج از کشور - حمله با خودرو بمب گذاری شده علیه ساختمان های دیپلماتیک و فرهنگی ایران در بیروت در روزهای ۱۹ نوامبر ۲۰۱۳ و ۱۹ فوریه ۲۰۱۴؛ ربودن و قتل دیپلمات های ایرانی آقایان احمد نیک بخت در ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۳ و ابوالقاسم اسدی در تاریخ ۱۸ ژانویه ۲۰۱۴ در صنعا؛ حمله انتحاری به ساختمان سرکنسولگری ایران در پشاور در تاریخ ۲۵ فوریه ۲۰۱۴؛ شش روز اشغال سفارت ایران در انگلیس و گروگانگیری و ترور در ۳۰ آوریل ۱۹۸۰ - علی الخصوص در تقابل با مجازات هایی که مصونیت دولت و نهادهای دولتی آن را را نقض می کند و همچنین با توجه به مسئولیت دولت جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با تروریسم و صیانت از حقوق بشر غیرمحافظة کارانه، مستلزم تصویب یک قانون ملی متقن و تفصیلی در خصوص منع و مبارزه جامع با تروریسم است. «این فقدان قانون منسجم و جامع، مقوم ادعایی است که اظهار می دارد: «ایران با تروریسم چگونه مبارزه کند، در حالی که هیچ

Archive of SID

تعریف معین و جامعی از تروریسم وجود ندارد»^{۱۱} (غمامی، ۱۳۹۵: ۹۹) و البته باید به طور خاص در مورد پلیس تصریح کرد که پلیس چگونه امنیت عمومی را در برابر مخاطرات تروستی حفظ کند در حالی که قانون گذار به وی در مقابل تروریست‌ها اختیارات لازم را نداده و بر اقتدار وی که یک سلاح قانونی لازم در این مبارزه است نیفزوده است. در حالی که مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که پلیس مقتدر در عصر کنونی پلیس دارای اختیار در مقابل تروریست‌ها است. قانون ضد تروریسم یا مبارزه با تروریسم^۱ از جمله قوانینی هستند که از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۸ به سازگار کردن آیین دادرسی و صلاحیت مأموران ویژه در کشورها حسب اقتضائات اقدامات سنتی و نوین تروریسم اقدام کرده‌اند. این قوانین همان حلقه مفقوده قانون گذاری جامع در ایران است. جالب اینکه در عین آنکه خود تروریسم و انواع آن در ایران جرم‌انگاری نشده و آیین دادرسی اقدام فوری و افتراقی برای آن وضع نشده در سال ۱۳۹۴ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در مجلس تصویب شده است.

ارتقاء امانتداری پلیس

پلیس، امانتدار است یعنی در قبال قدرتی که به او داده شده او به پاسداری از اجرای قانون و حفظ حریم خصوصی و امنیت فردی شهروندان متعهد شده است. پلیس از یک سو باید نشان دهد که برای امنیت فردی افراد به همان میزان امنیت ملی اهمیت قائل است و از سوی دیگر راز دار مردم بوده و مطابق اصل سی و هفتم قانون اساسی^{۱۴} قرار نیست به هیچ وجه اصل براءت برای شهروندان قانون مدار نقض شود. هرچند برخی از حقوق دانان معتقدند که برای آن دسته که سابقه قانون ستیزی و جرائم خشن و سازمان یافته داشته‌اند اصل دیسکاوری^{۱۵} حاکم بوده و این دسته باید از هرگونه قرابت به اختلال در نظام هم تحذیر کنند.

امانتداری در اعمال قدرت قانونی

از توابع اصل حاکمیت قانون اصل صلاحیت^{۱۶} است. به این معنا که قانون به مأموران عمومی از جمله پلیس اختیاراتی می‌دهد که به این اختیارات، صلاحیت گفته می‌شود. به این معنا پلیس امانتدار اجرای قانون با مجوز قانون و در حدود

1. Antiterrorism legislation , CounterTerrorism Act

آن می‌شود. مفهوم صلاحیت، ایجاد کننده چارچوب عملکرد همه اختیارات تمام ماموران دولت از جمله پلیس است که به موجب قانون دارای اقتداراتی برای تامین نظم و منافع عمومی می‌شوند. آنها بر این اساس مجری و پاسدار قانون شده و به طریق اولی خود حق نقض آن را ندارند. به این ترتیب «مأمور دولت مکلف است صلاحیت خود را در حدودی که قانون مقرر کرده است، اجرا کند. تجاوز و تخطی از صلاحیت علاوه بر آنکه برای مأمور متخلف ایجاد مسئولیت می‌کند، سبب «بطلان» اعمال و تصمیمات اداری او نیز می‌شود. مأمور دولت ممکن است به انحراف مختلف از صلاحیت خود تجاوز کند که عبارت است از:

۱. تجاوز از صلاحیت به سبب رعایت نکردن قلمرو و مدت مأموریت؛

۲. مداخله مأمور اداره در امور قانون گذاری و قضایی؛

۳. مداخله مأمور اداری در امور مأمور اداری دیگر. «(رستمی و کیانی، ۱۳۹۶: ۸۰۴)

اجرای قانون و تعهد به صلاحیت و عدم سوء استفاده از آن، پلیس را به ماموری تابع قانون بدل می‌کند که از اجرای آن صیانت می‌کند و حق ندارد آن را علیه منافع عمومی و در راستای منافع خود یا منافع صنفی استفاده کند. این تعهد به مردم اطمینان می‌دهد که با مجریانی درستکار و وظیفه شناس روبرو هستند که خط کشی جز قانون و ارزشی جز تامین نظم عمومی برایشان وجود ندارد و به این ترتیب رفتارشان پیش‌بینی پذیر و مورد احترام خواهد شد. در این راستا باید به ماموران پلیس علاوه بر آموزش‌های حقوق شهروندی ابلاغ کرد که آنها نه قانون هستند و نه مفسر قانون، در نتیجه وقتی در برابر تکالیف و اختیارات قانونی قرار می‌گیرند حق تاویل و تفصیل ندارند اگر هم ابهام و یا خلأیی وجود داشت باید از مقامات ذیصلاح قانونی کسب تکلیف کنند. قاعده کلی نیز این است که حقوق و آزادی‌های قانونی مورد احترام است و کسی، حتی پلیس مگر به صرف وجود قانون صریح و با رعایت تشریفات قانونی حق ورود به آنها را ندارد. (واکر و همنز، ۲۰۱۱: ۱۷) این باور باید به نحو عملی برای مردم ایجاد شود که (۱) پلیس هر اقدامی که انجام می‌دهد مبتنی بر متن قانونی است که توسط مجلس تصویب شده و یا مستند به قانون توسط مقام ذیصلاح تصویب و البته به صورت کاملاً مشخصی در اختیار عموم مردم قرار داده شده است. (۲) پلیس با مقررات محرمانه یا اسناد غیر قابل دسترس، دارای صلاحیت نمی‌شود و یا اجازه پیدا نمی‌کند در امور

مردم دخالت کند. این میزان از شفافیت باید به صورت مشخص در پورتال ناجا به صورت تفصیلی با جستجوی هوشمند درج گردد.

التزام به منشور اخلاق حرفه‌ای

همان طور که در ذیل مبحث مربوط به اقتدار بیان شد ماموران پلیس اعم از افسران و سربازان باید ملتزم به اخلاق حرفه‌ای باشند. به این معنا که خدمت عمومی تامین امنیت و نظم عمومی با دقت، سرعت، صداقت، امانت، گشاده رویی، انصاف و تبعیت از قوانین و مقررات عمومی و اختصاصی انجام شود. التزام به اخلاق حرفه‌ای با توجه به الزامات دینی حاکم بر این نیرو از بند «۲۶» ماده (۴) قانون نیروی انتظامی نیز قابل برداشت است چنانکه در این بند به عنوان وظیفه ناجا تصریح شده است به «تلاش مداوم و مستمر در جهت حاکمیت کامل فرهنگ و ضوابط اسلامی در نیروی انتظامی».

در این راستا لازم است: الف) منشور اخلاق حرفه‌ای عینی - تکالیف به طور مشخص ذکر شود- وضع و ابلاغ و حسب تحولات انتظامی و اجتماعی برای تضمین بهترین ارایه خدمت بروز شود؛ ب) به ماموران آموزش بدوی و در ضمن خدمت مطابق ماده (۳۳) قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران داده شود که باید به این منشور و الزامات آن ملتزم بوده و حسن رعایت آن موجب ارتقاء آنها خواهد بود. در این راستا لازم است آیین نامه موضوع تبصره ماده (۷۱) قانون اخیرالذکر^{۱۷} اصلاح گردد؛ ج) منشور اخلاق حرفه‌ای در دسترس شهروندان و بر روی پورتال‌های پلیس بنحو قابل و واضحی بارگذاری شود.

در این منشور باید به ماموران و شهروندان، یادآوری شود که مفاد مندرج در منشور، به هیچ وجه جنبه شعاری ندارد تا مردم به این باور برسند که پلیس امانتدار آنهاست و پلیس غیر ملتزم به این سند به سرعت از خدمت منفصل می‌گردد. اصلی ترین مفاد منشور اخلاق حرفه‌ای پلیس عبارت است از: «۱) پلیس وظیفه اصلی خود را تامین امنیت زندگی و اموال مردم، جلوگیری و کشف جرائم و حفظ صلح و نظم می‌داند؛ ۲) پلیس در مسیر ارزش‌هایی که شامل حقوق مردم، جامعه، یکپارچگی، انجام امور محوله، پاسخگویی، شایستگی و کار گروهی است گام بر می‌دارد؛ ۳) پلیس به اهمیت و مسئولیت موقعیت خود به عنوان نماد اعتقادات عمومی آگاه بوده و به پیروی از همان استانداردهای رفتار که توسط قانون

موظف به اجرای آنهاست متعهد است؛ ۴) پلیس به حفظ حقوق و آزادی‌های همه افراد مطابق با قانون اساسی و سایر قوانین متعهد است؛ ۵) پلیس در اجرای قانون به شیوه‌ای عادلانه، بی طرفانه و منطقی، بدون در نظر گرفتن نژاد، ملیت، رنگ، مذهب، جنسیت، سن، ناتوانی ذهنی یا جسمی عمل می‌کند. ۶) پلیس با شناخت اقتضائات فرهنگی و اجتماعی به مسائل و نگرانی‌های جامعه پاسخ می‌دهد و متعهد به توسعه و تقویت مشارکت‌های جامعه است؛ ۷) پلیس هرگز احساسات، خصومت یا دوستی شخصی را بر تصمیمات و اقدامات حرفه‌ای تاثیر نمی‌دهد؛ ۸) پلیس از پذیرش پاداش یا مزایا خارج از ضوابط قانونی یا به هر نوع دیگری که ممکن است وظایف آنها را به خطر بیندازد خودداری می‌کند؛ ۹) پلیس وظایف خود را در محدوده اقتدارات قانونی و با تاکید بر به رسمیت شناختن اهمیت افزایش مداوم سطح دانش و شایستگی خود انجام می‌دهد؛ ۱۰) پلیس با اعتماد به نفس در تمام وظایف قانونی خود و حفظ محرمانه بودن هرگونه اطلاعاتی که در جریان وظیفه به دست آورده است عمل می‌کند؛ ۱۱) پلیس به کشور وفادار بوده و در انجام وظایف خود تلاش می‌کند. « (قانون اخلاق حرفه‌ای، پلیس منطقه‌ای یورک، ۲۰۱۶)

پاسخگویی مقابل عموم مراجعین به طور یکسان

پاسخگویی بر مبنای مفاهیم "مسئولیت پذیری"، "شفافیت"، "جواب دادن به مخاطب"، "تعهد در مقابل انجام عملکرد"، "جبران خسارت وارده"، "توجیه رفتار و عاملان آن مطابق صلاحیت قانونی" قابل تبیین و توضیح است. (بامفوس و لیند، ۲۰۱۲: ۴۳) به این معنا که ماموران و نهادهای عمومی در برابر اقداماتی که انجام می‌دهند بتوانند بر اساس قانون توضیح دهند چرا و چگونه اقدام کرده و اقدام مورد نظر را با آن گونه که طبق قانون انتظار می‌رود به عموم مردم و مراجعین کنندگان عرضه کنند و تبعات کاستی و اهمال و قصور را هم به طور کامل بپذیرند. پلیس همانند همه ماموران دولت طبق قانون و همچنین منشور اخلاق حرفه‌ای موظف است به اجرای قانون بدون هرگونه تبعیضی بپردازد به ویژه که او پاسدار نظم و امنیت در کل کشور است و برای او هیچ تفاوتی نباید داشته باشد که امنیت کدام شهروند اعم از فقیر یا غنی، زن یا مرد، مدیر یا یک فرد عادی به خطر بیفتد. پلیس باید پاسخگویی همه افراد و آحاد ملت به نحو یکسان باشد چرا که طبق

Archive of SID

اصل بیستم قانون اساسی «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» در این اصل همه افراد ملت اعم از زن و مرد از همه حقوق به نحو یکسان وفق قانون برخوردار شده‌اند و البته هیچ قانونی هم طبق اصل نهم قانون اساسی^{۱۸} به هیچ بهانه‌ای حق سلب این حقوق و آزادی‌های مشروع را ندارد.

به این ترتیب بهترین روش برای پاسخگویی یکسان و بدون اعمال هرگونه غرض ورزی یا پیش فرض ذهنی در خصوص عامه مردم استفاده از سامانه‌های الکترونیک برای درج و پیگیری خواسته‌ها و ارایه خدمت است. هرچند در مواردی نیاز به مراجعه حضوری و معاینه و بررسی است ولی اگر خدمات پلیس مشخص و زمان بندی شده و قابل پایش به صورت الکترونیک باشد هیچ ماموری نمی‌تواند در انجام وظایف قانونی بین مراجعین تفاوتی اعمال و خدمات قانونی را خارج از مسیر مشخص و زمان معین قانونی ارایه یا تحدید کند. در چنین فرآیندی مردم به پلیس به عنوان یک نیروی درستکار و امانتدار اعتماد پیدا می‌کنند. آنها به این باور می‌رسند که امنیت آنها در اختیار نهادی و مامورانی است که در اجرای قانون با همه به طور یکسان رفتار خواهند کرد. دولت الکترونیک که البته خدمات را به صورت قانونی، رایگان و در فرآیندی معقول ارایه دهد یک تحول محسوب و ناجا را به دوره جدید پلیس الکترونیک منتقل می‌کند. (هنگ، ۲۰۰۵: ۳۷۵) البته باید در نظر داشت که دولت الکترونیک به معنای خصوصی سازی وظایف دولت به شیوه فعلی نیست بلکه به معنای ارایه خدمات قابل پایش، مطمئن، زمانمند در بستر الکترونیک می‌باشد با این وصف که طبق یک اصل مسلم حقوق عمومی «خدمات عمومی باید رایگان ارایه شوند.» (گرود، ۱۹۹۹: ۶۹)

دستاورد

الف) برقراری نظم و امنیت عمومی به عنوان مأموریت پلیس (نیروی انتظامی) وقتی به بهترین نحو ممکن محقق می‌گردد که این نیرو از یک سو از صلاحیت خود در چارچوب قانون استفاده کند چرا که اقتدار به همین التزام قدرت به قانون بستگی دارد و از طرف دیگر قانون نیز به وی اختیارات لازم را همراه با تضمین عینی حقوق شهروندان اعطا نماید. در این راستا لازم است:

۱. پلیس به این باور برسد که قدرت وی زمانی کسوت اقتدار به خود می بیند که قانونمند و ضابطه مند گردد و در این راستا لازم است ماموران پلیس هر خدمتی را که ارایه می دهند آموزش دیده باشند به ویژه این که چگونه با مردم رفتار کنند تا در نظر آنها مجریانی خوب برای تحقق قانون جلوه نمایند نمایان و ارزیابی شوند. در ادامه این ضوابط و دستورالعمل ها نیز لازم است به نحو شفافیتی مبتنی بر حق دسترسی به اطلاعات، در اختیار مردم قرار گیرد؛

۲. پلیس باید برای تضمین اقتدار خود به نحوی عمل کند که قاطعیت او در اجرای قانون نهادینه شود. برای رسیدن چنین مهمی او باید همواره توصیه ناپذیر و ملتزم به سطح دوم اجرای اصل حاکمیت قانون یعنی نوعی بودن و استثناء پذیری باشد؛

۳. پلیس همه جا نیست ولی باید بر همه مسائل امنیت اشراف کامل اطلاعاتی داشته باشد در این راستا پلیس نیازمند استفاده از ظرفیت های مردمی است که سوت زندگان یا همان گزارش دهندگان جرم و فساد می توانند نقش منحصر به فردی را جهت استقرار نظم عمومی فراگیر و تحقق پلیس مقتدر فراهم کنند. استفاده از این ظرفیت از یک سو نیازمند تامین الزامات قانونی حمایتی است و از سوی دیگر به اهتمام پلیس بر می گردد که سازوکارهای لازم را برای جلب مشارکت مردمی ضابطه مند، داوطلبانه و شفاف در استقرار نظم و امنیت عمومی فراهم سازد. در این خصوص مشارکت پلیس لاقوه قضاییه جهت تنظیم لایحه حمایت از گزارش دهندگان جرم و فساد لازم است؛

۴. پلیس در مبارزه با جرائم، ضابط عام تحت نظارت دادستان محسوب می گردد که اگر ضمن دریافت آموزش های لازم برای اجرای قانون و احترام به حقوق شهروندی و آزادی های مشروع، مکانیزمی منسجم و بهنگام طراحی گردد می تواند طبق دستورات دادستان با برهم زندگان نظم و امنیت عمومی به نحو موثری برخورد کند. در این خصوص مشارکت پلیس با دادستانی کل برای بازنگری دستورالعمل احیای حقوق عامه و تنظیم لایحه قضایی مربوط الزامی است؛

۵. بیشترین حجم اختلال در امنیت مربوط به رفتارهای تروریستی و خرابکارانه است و این در حالی است که پلیس برای مبارزه با آن از اختیارات افتراقی

Archive of SID

قانونی برخوردار نیست. در این راستا لازم است تا پلیس از طریق همکاری با قوه قضایی و تنظیم لایحه قضایی موضوع اصل (۱۵۸) قانون اساسی، این کاستی را بر طرف و قانون وضعیت اضطراری و مبارزه جامع با تروریسم (ضد تروریستی) نماید.

ب) به علاوه اینکه در برقراری امنیت و نظم عمومی پلیس زمانی موفق خواهد بود که عامه مردم به این باور رسیده باشند که نیروی انتظامی از اختیارات خود امانتدارانه و مسئولانه و تحت نظارت‌های قابل استناد استفاده کرده و وفق اخلاق حرفه‌ای عمل کند. در این راستا لازم است:

۱. مفهوم صلاحیت برای پلیس مشخص گردد تا وی از یک طرف خارج از صلاحیت خود عمل نکرده و مرتکب سوء استفاده از صلاحیت نشود و از طرف دیگر مقرراتی محرمانه و غیرقابل دسترس برای عموم برای وی ایجاد صلاحیت نکند. در این خصوص تبعیت پلیس از دستورات مراجع قضائی به ویژه دادستان به عنوان مقامی که جانب حقوق عمومی را مبتنی بر الزامات قانونی می‌گیرد الزامی است بنابراین تنظیم دستورالعمل‌های استاندارد و ضابطه‌مند الزامی است؛
۲. پلیس همانند سایر ماموران دولت باید قوانین را با رعایت استانداردهایی به اجرا بگذارد که ضمن احترام به شهروندان، به آنها خدمت مطلوب و رضایت بخشی ارائه گردد. بیان استانداردهای ارائه خدمت امنیت و نظم عمومی در قالب منشور اخلاق حرفه‌ای صورت می‌گیرد و مهم این است این منشور به نحوی عینی مشخص کند که پلیس باید در مقابل مردم چه تعهداتی را در انجام وظیفه‌اش بدهد. این بیان باید باور مردم را به خود جلب کرده و حسب مورد بروز شود؛
۳. خدمت نظم عمومی خدمتی است فارغ از دریافت کننده آن که باید به صورت یکسان به همه مردم فارغ از جنسیت، موقعیت سیاسی و اجتماعی ارائه گردد و پلیس نیز در ارائه آن به همه شهروندان پاسخگو باشد. تضمین این پاسخگویی جهت تضمین برابری و زمانبندی معقول، مقتضی است در سامانه‌های دولت الکترونیک و به صورت رایگان انجام گیرد.



۹۳

● رستمی، ولی؛ کیانی، حبیب الله (۱۳۹۶) دایره المعارف حقوق عمومی، ویراستار: سید محمد مهدی غمامی، دانشگاه امام صادق (ع).

● عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران: نشر دادگستر.

● علامه مجلسی (۱۴۰۴هـ.ق)، بحارالأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ج ۷۵.

● غلامی زرینی، محسن؛ سیاح البرزی، هدایت؛ نبوی، سید علی (۱۳۹۱)، رابطه منشور اخلاقی پلیس و تأمین نظم و امنیت جامعه، فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره ۴، شماره ۴، زمستان، صفحه ۷۱-۸۸.

● غمامی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۵)، چالش‌های حقوق بشری و شهروندی در مبارزه با تروریسم (مطالعه موردی نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران)، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره ۳۳، زمستان، صفحه ۸۳-۱۰۴.

● نادمی، داود (۱۳۸۲)، اقتدار و حاکمیت در روند جهانی شدن، اطلاعات سیاسی اقتصادی، آذر و دی، شماره ۱۹۵ و ۱۹۶.

● Bamforth, Nicholas; Leyland, Peter (2012), *Accountability in the Contemporary Constitution*, OUP Oxford.

● Freeburn, Lloyd (2018), *Power, Legal Authority and Legitimacy in the Regulation of International Sport*, BRILL: Boston.

● Groud, Hervé (1999), *Mutations du service public et territoires*, L'Harmattan.

● Huang, Wayne (2005), *Electronic Government Strategies and Implementation*, Idea Group Inc.

● Iain Cameron (2000), *National Security and the European Convention on Human Rights*, Martinus Nijhoff Publishers.

● Kelsen, Hans (2009), *General Theory of Law and State*, The Lawbook Exchange, Ltd.

● Marvah, Ved (2014), *Public Security in Federal Systems*, edition: Mehra, Ajay K. , Lancer Publishers LLC.

Archive of SID

- Peter B. Jubb (1999), Whistleblowing: A Restrictive Definition and Interpretation, Journal of Business Ethics, August 1999, Volume 21, Issue 1, pp 94-77.
- QC, John Beggs; Thomas, George; Rickard, Susanna (2012), Public Order: Law and Practice, OUP Oxford.
- Sullivan, Larry E (2005), Encyclopedia of Law Enforcement, Volume 3, SAGE.
- Tweedie, Brendan (2010), Whistle Stop: the Suppression of Whistleblowers in the Canadian Government, University of Windsor.
- Walker, Jeffery T. & Hemmens, Craig (2011), Legal Guide for Police: Constitutional Issues, Elsevier Inc.
- (ج) پایگاه های داده
- Code of Professional Ethics, York Regional Police: 2016, see address web: <https://www.yrp.ca/en/about/code-of-professional-ethics.asp>



۹۵

۱. این حدیث به بیان دیگری در روایتی از حضرت رسول (ص) آمده است: «نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ» یعنی دو نعمت است که ناشناخته است: امنیت و تندرستی. (روضه الواعظین و بصیره المتعظین، محمد بن حسن فتال نیشابوری، ج ۲ ص ۴۷۲؛ الخصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۴؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی ج ۷۸، ص ۱۷۰).

۲. مولای متقیان (ع) باز به مالک می فرمایند: «وَ أَشْعِرَ قَلْبَ الرَّحْمَةِ لِلرَّعِيَةِ، وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَ اللُّطْفَ بِهِمْ، وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَعْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ، وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ.» یعنی باید دلت از رحمت و محبت مردم مالا مال باشد و لطف و دوستی نسبت به آنان روا داری، و نباید همچون جانور درنده ای خوردن آنها را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو صنف هستند: گروهی برادر دینی تواند، و دسته ای اگر چه مسلمان نیستند اما مثل تو انسان اند و انسان محترم است و حفظ حرمتش لازم. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۳. هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاههای حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۴. در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۵ / ۲ / ۱۳۸۳» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۲ / ۳ / ۱۳۷۵ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

۵. Professional Ethics Charter/Code of Professional Ethics

۶. محور هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

(۷) تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

(۱۴) تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای

همه و تساوی عموم در برابر قانون.

Archive of SID

۷. اقدام لازم در زمینه کسب اخبار و اطلاعات در محدوده وظایف محوله و همکاری با سایر سازمان‌ها و یگانهای اطلاعاتی کشور در حدود وظایف آنها.

۸. پیگیری اطلاعاتی مواردی از جرائم اجتماعی که با امنیت ملی مرتبط بوده یا قسمتی از یک توطئه یا فعالیتهای پنهانی با هدف براندازی را تشکیل دهد، با هدایت متمرکز وزارت اطلاعات و همکاری نیروی انتظامی انجام خواهد شد.

۹. The Whistleblower Protection Program.

۱۰. «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. (و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر)».

۱۱. The Whistle Blowers Protection Act.

۱۲. ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با دادستان است. سایر مقامات قضایی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می‌دهند، حق نظارت دارند.»

۱۳. ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «دستورهای مقام قضایی به ضابطان دادگستری به صورت کتبی، صریح و با قید مهلت صادر می‌شود. در موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست، دستور به صورت شفاهی صادر می‌شود و ضابط دادگستری باید ضمن انجام دستورها و درج مراتب و اقدامات معموله در صورت مجلس، در اسرع وقت و حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت آن را به امضای مقام قضایی برساند.»

ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «ضابطان دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که دادستان یا مقام قضایی مربوط تعیین می‌کند، نسبت به انجام دستورها و تکمیل پرونده اقدام نمایند.

تبصره - چنانچه اجرای دستور یا تکمیل پرونده میسر نشود، ضابطان باید در پایان مهلت تعیین شده، گزارش آن را با ذکر علت برای دادستان یا مقام قضایی مربوط ارسال کنند.»

ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیر مشهود مراتب را برای کسب تکلیف و أخذ دستورهای لازم

به دادستان اعلام می کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می کند. ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می آورند، تحقیقات لازم را انجام می دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را أخذ و در پرونده درج می کنند. ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد. «

۱۴. اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

۱۵. Inevitable discovery.

در مقابل اصل براءت وقتی متهم و یا خواننده باید اثبات کند که بی گناه است و اگر دلیلی اقامه نکند اتهام علیه او احراز می شود. این دکترین اولین بار در قضیه نیکس علیه ویلیام (in Nix v. Williams United States Supreme Court ۱۹۸۴) پذیرفته شد.

۱۶. competence.

۱۷. ماده ۷۱ - ترفیع عبارت است از نیل به درجه یا رتبه بالاتر برابر مقررات این قانون. تبصره - ترفیعات و روش اجرای آن به موجب آئین نامه ای خواهد بود که به وسیله نیروی انتظامی با هماهنگی وزارت کشور تهیه و از طریق ستاد کل به تصویب فرماندهی کل قوا می رسد.

۱۸. اصل نهم: «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت اراضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. «